

بررسی رابطه پیش‌بین‌کنندگی سبک‌های فرزندپروری با رفتارهای خودآسیب‌رسان در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه

زینب آذرمیدخت

مدیر مرکز مشاوره امام رضا(ع) شهرستان مهریز

چکیده

خانواده و به ویژه سبک فرزندپروری والدین، یکی از نخستین و مهمترین بسترهای شکل‌گیری رفتارهای خودآسیب‌رسان در دوران نوجوانی است. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رفتارهای خودآسیب‌رسان بر اساس سبک‌های فرزندپروری والدین (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) در بین دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهرستان مهریز انجام شد. این پژوهش از نوع همبستگی-رگرسیونی بود. جامعه آماری را ۲۴۳۹ دانش‌آموز دوره اول متوسطه شهرستان مهریز تشکیل می‌دادند که بر اساس جدول مورگان-کرجسی، نمونه‌ای ۳۳۱ نفره به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. داده‌ها با پرسشنامه‌های سبک فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳) و رفتارهای خودآسیب‌رسان کلونسکی و گلن (۲۰۱۵) گردآوری و با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شد. نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد سبک‌های فرزندپروری در مجموع ۵۴٫۹ درصد از واریانس رفتارهای خودآسیب‌رسان را تبیین می‌کنند؛ سبک مقتدرانه پیش‌بین منفی و سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه پیش‌بین مثبت این رفتارها بودند. یافته‌های تکمیلی نیز رابطه معنادار سبک‌های فرزندپروری را با ابعاد رفتاری، انگیزه‌های درون‌فردی و انگیزه‌های برون‌فردی رفتارهای خودآسیب‌رسان تأیید کردند. بر این اساس، آموزش خانواده محور برای اصلاح سبک فرزندپروری و بهبود ارتباط والد-نوجوان راهکاری مؤثر برای پیشگیری از این رفتارها پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای خودآسیب‌رسان، سبک فرزندپروری، نوجوان، دانش‌آموزان، دوره اول متوسطه

۱- مقدمه

دوران نوجوانی از بحرانی ترین دوره های زندگی هر فرد است؛ در این دوره پایه های اصلی شخصیت و سلامت جسمی و روانی شکل میگیرد و ناتوانی در عبور موفق از چالش های این دوره می تواند به بروز پریشانی های روانشناختی منجر شود (باکمستر و همکاران، ۲۰۱۹). یکی از مسائلی که در این دوره ظاهر می شود، «رفتارهای خودآسیب رسان»^۱ است؛ یعنی آسیب عمدی و خودساخته به بافت بدن، بدون قصد خودکشی و برای اهدافی که از نظر اجتماعی یا فرهنگی پذیرفته شده نیست (انجمن بین المللی مطالعات خودآسیبی، ۲۰۱۸). سازمان جهانی بهداشت نیز خودآسیب رسانی را انجام آگاهانه رفتارهایی می داند که فرد بدون مداخله دیگران به خود آسیب می رساند.

مطالعات همه گیرشناسی نشان می دهند شیوع این رفتارها در نوجوانان قابل توجه است و شروع آن معمولاً بین ۱۲ تا ۱۴ سالگی رخ می دهد. (براون و ویت، ۲۰۱۹) مطالعه ژیاپویی و همکاران (۲۰۲۳) شیوع را در کودکان و نوجوانان به ترتیب ۱۹۰۵ و ۲۲۰۱ درصد، و مطالعه فنگ و همکاران (۲۰۲۲) آن را ۱۷۰۲ درصد گزارش کرده اند. در ایران نیز مظفری، باقریان، زاده محمدی و حیدری (۱۴۰۰) شیوعی بین ۶ تا ۹۰۶ درصد در نمونه ای از شهر سمنان، دودانگی (۱۳۹۸) شیوع ۶ تا ۸ درصد، و ایزکیان، میرزائی و حسینی (۱۳۹۷) در مروری بر مطالعات داخلی، شیوعی بین ۳۰۴ تا ۴۰۰۵ درصد گزارش کرده اند. این رفتارها با افزایش احتمال اقدام به خودکشی در آینده مرتبط هستند (ویلویی و همکاران، ۲۰۱۵) و از این رو شناسایی عوامل زمینه ساز آن ها اهمیت بالینی و اجتماعی بالایی دارد.

در میان عوامل مؤثر، خانواده و سبک فرزندپروری والدین جایگاه ویژه ای دارند. بر اساس نظام بوم شناختی برونفبرنر، نظام خانواده می تواند از طریق سبک های تعاملی والد-فرزند، جنبه های شناختی و رفتاری فرزندان را متأثر سازد (پینکوارت و گرک، ۲۰۱۹). بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱)، سبک های فرزندپروری به سه دسته مقتدرانه (ترکیب گرمی عاطفی و کنترل منطقی)، مستبدانه (کنترل بالا و پاسخدهی پایین) و سهل گیرانه (کنترل پایین و پاسخدهی بالا) تقسیم می شوند که هر کدام می توانند پیامدهای متفاوتی برای رشد روانی-اجتماعی نوجوان به همراه داشته باشند. با وجود اهمیت این موضوع، مطالعات داخلی درباره رابطه مستقیم سبک فرزندپروری با رفتارهای خودآسیب رسان همچنان اندک است؛ اغلب مطالعات داخلی مانند قناعت باجگیرانی و همکاران (۱۴۰۱)، سبحانی، فلاحزاده و پورشهریار (۱۴۰۱)، سلیمی، هاشمی نصرت آباد و خانجانی (۱۴۰۱)، و احمدی مرویلی، میرزاحسینی و منیرپور (۱۳۹۸) بر عواملی چون آسیبهای دوران کودکی، سرمایه روانشناختی، جو عاطفی خانواده یا سبک های دلبستگی متمرکز بوده اند، نه بر سبک مشخص فرزندپروری. پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ، به این پرسش پاسخ می دهد: آیا رفتارهای خودآسیب رسان بر اساس سبک فرزندپروری والدین در بین دانش آموزان دوره اول متوسطه شهرستان مهریز قابل پیشبینی است؟

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

یافته های همه گیرشناسی نشان از شیوع بالای رفتارهای خودآسیب رسان عمدی در میان نوجوانان دارد (احمدی مرویلی، میرزاحسینی و منیرپور، ۱۳۹۸). مایلنکمپ، ژونگا و براچ (۲۰۱۹) در مطالعه ای طولی نشان دادند ۱۲ درصد نوجوانانی که در ۱۶ سالگی رفتار خودآسیب رسان داشتند، در ۲۱ سالگی اقدام به خودکشی کردند. از آنجا که خودآسیب رسانی مهمترین ریسک فاکتور رایج برای خودکشی کامل محسوب می شود و با اختلالاتی مانند افسردگی و اضطراب همراه است (مجید و همکاران، ۲۰۱۶)، شناخت عوامل مؤثر بر آن از منظر نظری، کاربردی و روششناختی حائز اهمیت است. از منظر کاربردی، این پژوهش می تواند مبنایی برای طراحی مداخلات خانواده محور فراهم کند و از منظر روش شناختی، خلأ پژوهشی موجود درباره جامعه دانش آموزی شهرستان مهریز را پوشش می دهد.

¹ Self-injurious behaviors

۳- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رفتارهای خودآسیب رسان به دو دسته مستقیم (مانند خودجرحی بدون قصد خودکشی) و غیرمستقیم (مانند سوءمصرف مواد و خطرجویی) تقسیم می شوند (سبحانی، فلاحزاده و پورشهریار، ۱۴۰۱). کارکردهای زمینه ساز این رفتارها را کلونسکی و همکاران (۲۰۱۵) در دو گروه درون فردی (تنظیم هیجانی، خودتنبیهی، فرار از افکار منفی) و برون فردی (جلب توجه، فرار از موقعیت های ناخوشایند، تأثیرگذاری بر دیگران) دسته بندی کرده اند.

در حوزه فرزندپروری، سبک مقتدرانه با ترکیب مهارگری منطقی و حمایت عاطفی بالا، معمولاً با پیامدهای رشدی مثبت مانند پیشرفت تحصیلی بهتر، عزت نفس بالاتر و روابط سالم تر با همسالان همراه است (ذکایی فر و موسی زاده، ۱۳۹۹). در مقابل، سبک مستبدانه با تقاضای بالا و پاسخ دهی پایین والدین، با مشکلات رفتاری فرزندان همراه است (عباسی، رجایی، بیاضی و جعفریان یسار، ۱۴۰۰) و سبک سهل گیرانه با تقاضای پایین و پاسخدهی بالا، با پرخاشگری، ضعف تحصیلی و مشکلات رفتاری آشکار در فرزندان مرتبط دانسته شده است (رفاهی و طاهری، ۱۳۹۸).

مرور پیشینه داخلی و خارجی نشان می دهد پژوهش های اندکی به طور مستقیم رابطه سبک فرزندپروری با رفتارهای خودآسیب رسان را بررسی کرده اند. در سطح داخلی، قناعت باجگیرانی و همکاران (۱۴۰۱) تأثیر آسیب های دوران کودکی و سرشت عاطفی-هیجانی، سبحانی و همکاران (۱۴۰۱) نقش سرمایه روانشناختی و عملکرد خانواده، سلیمی و همکاران (۱۴۰۱) رابطه جو عاطفی خانواده و پیوند با مدرسه، و احمدی مرویلی و همکاران (۱۳۹۸) نقش سازمان شخصیت و سبک های دلبستگی را در گرایش به این رفتارها بررسی کرده اند. در سطح خارجی، فورچون، کاترل و فایف (۲۰۱۶)، باکمستر و همکاران (۲۰۱۹) و فنگ و همکاران (۲۰۲۲) در مرورهای نظام مند خود بر نقش عوامل خانوادگی، به ویژه سبک فرزندپروری، در بروز رفتارهای خودآسیب رسان تأکید کرده اند. با این حال، این خلأ پژوهشی که کمتر مطالعه ای به طور مستقیم و در قالب یک مدل پیشبین، سبک فرزندپروری را با رفتارهای خودآسیب رسان نوجوانان ایرانی مرتبط ساخته، ضرورت انجام مطالعه حاضر را در جامعه دانش آموزی شهرستان مهریز توجیه می کند.

۴- فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی:

رفتارهای خودآسیب رسان بر اساس سبک فرزندپروری والدین در بین دانش آموزان متوسطه اول شهرستان مهریز قابل پیش بینی است.

فرضیه های فرعی:

۱. بین «بعد رفتاری» رفتارهای خودآسیب رسان با سبک های فرزندپروری والدین در بین دانش آموزان متوسطه اول شهرستان مهریز رابطه معنادار وجود دارد.
۲. بین «بعد عوامل -انگیزه های درون فردی» رفتارهای خودآسیب رسان با سبک فرزندپروری والدین در بین دانش آموزان متوسطه اول شهرستان مهریز رابطه معنادار وجود دارد.
۳. بین «بعد عوامل -انگیزه های برون فردی» رفتارهای خودآسیب رسان با سبک فرزندپروری والدین در بین دانش آموزان متوسطه اول شهرستان مهریز رابطه معنادار وجود دارد.

۵- روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت، جزء پژوهش های کمی بود، چرا که با آمار و داده های حاصل از پرسشنامه سروکار داشت و تحلیل داده ها با نرم افزار آماری انجام شد. از نظر روش، از نوع همبستگی-رگرسیونی بود، زیرا رابطه متغیرهای «سبک های فرزندپروری» و «رفتارهای خودآسیب رسان» را می سنجید. از نظر هدف، این پژوهش کاربردی بود، چرا که به دنبال بررسی

یک مسئله اجتماعی و ارائه راهکار برای کاهش رفتارهای خودآسیبرسان در نوجوانان بود. از نظر شیوه اجرا نیز از نوع مطالعات مقطعی-توصیفی و پیمایشی بود

۵-۱- جامعه و نمونه آماری منابع:

جامعه آماری را کلیه دانش آموزان دوره اول متوسطه شهرستان مهریز تشکیل دادند. بر اساس آمار اداره آموزش و پرورش، تعداد دانش آموزان دختر ۱۱۷۷ نفر و دانش آموزان پسر ۱۲۶۲ نفر بود (جمعاً ۲۴۳۹ دانش آموز). حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و کرجسی، برابر با ۳۳۱ نفر تعیین شد. روش نمونه گیری از نوع خوشه ای چندمرحله ای بود: ابتدا مدارس دخترانه و پسرانه به عنوان سرخوشه های اصلی، سپس نام مدارس و محله های شهرستان مهریز به عنوان خوشه های بعدی، و در نهایت در هر مدرسه، پایه های تحصیلی هفتم، هشتم و نهم به عنوان خوشه های نهایی در نظر گرفته شدند و دانش آموزان به طور تصادفی و با تلاش برای توزیع مساوی جنسیتی انتخاب شدند.

۵-۲- ابزار گردآوری داده ها:

- پرسشنامه سبک فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳)

این مقیاس توسط بامریند تهیه شده و سه سبک فرزندپروری (مقتدرانه/منطقی، مستبدانه و سهل گیرانه/آسان گیر) را می سنجد. پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال است (۱۰ سؤال برای هر سبک) که بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره گذاری می شود. بورای (۱۹۹۱) با روش افتراقی روایی آن را تأیید کرد؛ در ایران اسفندیاری (۱۳۷۴) پایایی بازآزمایی آن را برای سبک آسان گیری ۰،۶۹، سبک استبدادی ۰،۷۷ و سبک مقتدرانه ۰،۷۳ گزارش کرده و روایی آن با روش محتوا و تحلیل عاملی (بارهای عاملی بیش از ۰،۶۰) تأیید شده است. پودینه، جناآبادی و پورقاز (۱۳۹۵) با آلفای کرونباخ، ضرایب ۰،۸۳ (مستبدانه)، ۰،۷۷ (مقتدرانه) و ۰،۷۵ (سهلگیرانه) را گزارش کرده اند.

- پرسشنامه رفتارهای خودآسیبرسان کلونسکی و گلن (۲۰۰۹)

این مقیاس توسط کلونسکی و گلن (۲۰۰۹) ساخته شده و از دو بخش تشکیل شده است: فهرست رفتارهای خودآسیب رسان (۴۶ گویه بلی/خیر) و بخش عاملی شامل بُعد رفتاری (۷ سؤال)، انگیزه های درون فردی (۱۳ سؤال) و انگیزه های برون فردی (۲۶ سؤال) که در طیف لیکرت سه درجه ای (نامرتب=۰، تا حدودی مرتبط=۱، کاملاً مرتبط=۲) نمره گذاری می شوند. خرده مقیاس های انگیزه های درون فردی شامل تنظیم هیجانی، ضد تجزیه ای، ضد خودکشی، ابزار آشفستگی و خودتنبیهی، و خرده مقیاس های انگیزه های برون فردی شامل خودمختاری، اثرگذاری بین فردی، تعلق به همسالان، انتقام گیری، خودمراقبتی، هیجان خواهی و سرسختی است. کلونسکی و همکاران (۲۰۱۵) آلفای کرونباخ عوامل درون فردی و برون فردی را به ترتیب ۰،۸۳ و ۰،۸۰ و پایایی بازآزمایی یکساله را ۰،۷۱ و ۰،۷۶ گزارش کرده اند. در ایران، خانیپور، برجعلی و فلسفی نژاد (۱۳۹۵) پایایی مقیاس را با آلفای کرونباخ ۰،۹۴ و روایی محتوای آن را تأیید کرده اند.

۵-۳- روایی و پایایی ابزار

در این پژوهش از روایی محتوا استفاده شد. روایی محتوا به سؤال های تشکیل دهنده ابزار بستگی دارد؛ اگر سؤال ها معرف ویژگی ها و مهارت های موردنظر محقق باشند، ابزار دارای روایی محتواست. این نوع روایی معمولاً توسط متخصصان موضوع مورد داوری و تأیید قرار می گیرد.

پایایی پرسشنامه ها با روش آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS محاسبه شد. مقدار آلفای بالاتر از ۰،۷۰ نشان دهنده پایایی مطلوب ابزار است. نتایج محاسبه آلفای کرونباخ برای متغیرهای پژوهش در جدول زیر ارائه شده است:

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
رفتارهای خودآسیب‌رسان (کل)	۰,۷۴۲
بُعد رفتاری	۰,۸۹۱
بُعد عوامل درون فردی	۰,۷۰۲
بُعد عوامل برون فردی	۰,۷۳۶
سبک‌های فرزندپروری (کل)	۰,۷۴۸

۵-۴- شیوه تجزیه و تحلیل داده ها

داده های پژوهش با نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. در سطح توصیفی از شاخص های فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار، و در سطح استنباطی، پس از بررسی نرمال بودن توزیع داده ها با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، از تحلیل رگرسیون همزمان (چندگانه) برای آزمون فرضیه اصلی و از ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیه های فرعی استفاده شد.

۶- یافته های پژوهش

در این بخش، داده های حاصل از اجرای پرسشنامه های «سبکهای فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳)» و «رفتارهای خودآسیب رسان کلونسکی و گلن (۲۰۰۹)» مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. در بخش نخست، آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) برای متغیرهای جمعیت شناختی و متغیرهای اصلی پژوهش ارائه شده و در بخش دوم، یافته های استنباطی با استفاده از آزمون های رگرسیون همزمان و همبستگی پیرسون گزارش شده است.

۶-۱- یافته های توصیفی

۱-۱-۶- پایه تحصیلی پاسخگویان:

از مجموع ۳۳۱ دانش آموز نمونه، ۳۶,۳ درصد در پایه نهم، ۳۴,۱ درصد در پایه هشتم و ۲۷,۵ درصد در پایه هفتم قرار داشتند (۲,۱ درصد) نیز داده های مفقود بود.

پایه تحصیلی	فراوانی	درصد
پایه هفتم	۹۱	۲۷,۵
پایه هشتم	۱۱۳	۳۴,۱
پایه نهم	۱۲۰	۳۶,۳
موارد مفقود	۷	۲,۱
جمع	۳۳۱	۱۰۰,۰

۱-۲-۶- جنسیت پاسخگویان:

توزیع جنسیتی نمونه تقریباً برابر بود: ۵۰,۲ درصد دختر (۱۶۶ نفر) و ۴۹,۸ درصد پسر (۱۶۵ نفر).

جنسیت	فراوانی	درصد
دختر	۱۶۶	۵۰٫۲
پسر	۱۶۵	۴۹٫۸
جمع	۳۳۱	۱۰۰٫۰

۱-۳-۶- تحصیلات پدر و مادر دانش آموزان:

بیشترین سطح تحصیلات پدران مربوط به دیپلم (۳۴٫۴ درصد)، سپس فوق دیپلم و لیسانس (۲۶٪ درصد)، زیر دیپلم (۲۰٫۸ درصد) و فوق لیسانس و بالاتر (۱۶٪ درصد) بود. درباره مادران نیز دیپلم (۳۱٫۴ درصد) و زیر دیپلم (۳۰٫۵ درصد) بیشترین فراوانی را داشتند و فوق دیپلم/لیسانس (۲۱٫۱ درصد) و فوق لیسانس و بالاتر (۱۳٫۹ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. هیچ یک از والدین بی سواد نبودند.

سطح تحصیلات	پدر (درصد)	مادر (درصد)
بی سواد	۰٫۰	۰٫۰
زیر دیپلم	۲۰٫۸	۳۰٫۵
دیپلم	۳۴٫۴	۳۱٫۴
فوق دیپلم و لیسانس	۲۶٫۰	۲۱٫۱
فوق لیسانس و بالاتر	۱۶٫۰	۱۳٫۹

۱-۴-۶- توصیف کمی رفتارهای خود آسیب رسان:

میانگین نمره رفتارهای خود آسیب رسان در نمونه پژوهش (از دامنه ۰ تا ۹۲) برابر ۳۱٫۶۹۲ با انحراف معیار ۵٫۹۰۱ بود. ضریب چولگی (۰٫۲۹۷) و کشیدگی (۰٫۹۹۸) نیز در دامنه قابل قبول برای توزیع نرمال قرار داشتند.

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
رفتارهای خود آسیب رسان	۳۱٫۶۹۲	۵٫۹۰۱	۰٫۲۹۷	۰٫۹۹۸	۰	۸۳

۱-۵-۶- توصیف کمی سبک های فرزند پروری:

در بین سه سبک فرزند پروری (هر کدام در دامنه ۰ تا ۵۰)، سبک مقتدرانه بالاترین میانگین (۴۱٫۰۸۲) را داشت که نشان دهنده گرایش بیشتر والدین نمونه به این سبک است؛ پس از آن سبک سهل گیرانه (۳۰٫۲۱۹) و سبک مستبدانه (۲۵٫۶۲۱) قرار داشتند.

حداکثر	حداقل	کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	میانگین	سبک فرزندپروری
۵۰	۲۱	۳,۴۳۷	-۰,۸۹۹	۶,۱۲۲	۴۱,۰۸۲	مقتدرانه
۴۶	۱۵	۰,۴۳۳	۰,۴۵۱	۵,۵۳۰	۲۵,۶۲۱	مستبدانه
۴۶	۱۵	۲,۴۶۷	۱,۰۰۲	۵,۹۲۳	۳۰,۲۱۹	سهل گیرانه

۱-۶-۶- آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها:

پیش از تحلیل استنباطی، نرمال بودن توزیع داده‌ها با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شد. فرض صفر (H_0) بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌های هر متغیر بود. از آنجا که سطح معناداری تمامی متغیرها بیش از ۰,۰۵ به دست آمد، فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها برای همه متغیرها با اطمینان بالا پذیرفته شد.

سطح معناداری	آماره کولموگروف-اسمیرنوف	N	متغیر
۰,۲۸۲	۰,۷۳۸	۳۳۱	رفتارهای خودآسیب‌رسان
۰,۴۱۷	۰,۴۴۹	۳۳۱	فرزندپروری مقتدرانه
۰,۵۳۵	۰,۹۱۰	۳۳۱	فرزندپروری سهل گیرانه
۰,۳۱۶	۰,۲۸۴	۳۳۱	فرزندپروری مستبدانه

۷- یافته‌های استنباطی (آزمون فرضیه‌ها)

۷-۱- فرضیه اصلی:

فرضیه: رفتارهای خودآسیب‌رسان بر اساس سبک فرزندپروری والدین در بین دانش‌آموزان متوسطه اول شهرستان مهریز قابل پیش‌بینی است.

برای آزمون این فرضیه، از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد تا سهم سبک‌های فرزندپروری در تبیین واریانس رفتارهای خودآسیب‌رسان مشخص شود:

R^2 تعدیل شده	R^2	R	سطح معناداری	F	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مدل
۰,۵۱۰	۰,۵۴۹	۰,۷۴۱	***۰,۰۰۰	۸۳,۱۱۹	۱ / ۲۹۵	۶۷۹۱۲,۷۱۷ / ۶۰۶۳۴,۹۷۴ / ۱۲۸۵۴۷,۶۹۲	رگرسیون / خطا / کل

مقدار ضریب تعیین (R^2) برابر ۰,۵۴۹ به دست آمد؛ یعنی ۵۴,۹ درصد از واریانس رفتارهای خودآسیب‌رسان دانش‌آموزان توسط متغیر سبک‌های فرزندپروری تبیین می‌شود. مقدار $F(۸۳,۱۱۹)$ در سطح $P > ۰,۰۰۱$ معنادار بود که نشان می‌دهد مدل رگرسیونی از برازش مناسبی برخوردار است. جدول زیر ضرایب استاندارد و غیراستاندارد رگرسیون را برای هر یک از سبک‌های فرزندپروری نشان می‌دهد:

۷-۴- فرضیه فرعی ۳ (عوامل و انگیزه های برون فردی)

فرضیه: بین بُعد «عوامل - انگیزه های برون فردی» رفتارهای خودآسیب رسان با سبک فرزندپروری والدین رابطه معنادار وجود دارد.

N	معناداری سطح	بستگی هم ضریب	وابسته متغیر	مستقل متغیر
۳۳۱	۰،۰۰۱**	-۰،۶۱۱	برون های انگیزه -عوامل فردی	مقتدرانه
۳۳۱	۰،۰۰۰***	۰،۶۳۷+	برون های انگیزه -عوامل فردی	مستبدانه
۳۳۱	۰،۰۲۴*	۰،۳۳۹+	برون های انگیزه -عوامل فردی	گیرانه سهل

نتایج نشان داد بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با بُعد عوامل و انگیزه های برون فردی رابطه منفی و معنادار ($P < ۰.۰۱$)، و بین سبک های مستبدانه ($P < ۰.۰۰۱$) و سهل گیرانه ($P < ۰.۰۵$) با این بُعد، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بر این اساس، فرضیه فرعی سوم نیز تأیید شد و در مجموع، هر سه فرضیه فرعی پژوهش تأیید شدند.

۸- جمع بندی یافته های استنباطی

در مجموع، یافته های فصل چهارم نشان داد سبک فرزندپروری مقتدرانه در تمامی ابعاد رفتارهای خودآسیب رسان (رفتاری، انگیزه های درون فردی و انگیزه های برون فردی) نقش کاهنده و معنادار، و سبک های مستبدانه و سهل گیرانه نقش افزاینده معنادار داشتند؛ با این تفاوت که قوی ترین رابطه به سبک مستبدانه با بُعد انگیزه های درون فردی ($+۰،۷۴۲$) و ضعیف ترین رابطه معنادار به سبک سهل گیرانه با بُعد انگیزه های برون فردی ($+۰،۳۳۹$) مربوط بود.

۹- بحث و نتیجه گیری

یافته های این پژوهش نشان داد سبک های فرزندپروری والدین، به طور معناداری رفتارهای خودآسیب رسان نوجوانان را پیش بینی می کنند. این نتیجه با پژوهش های نعمت الهی و طاهری (۱۴۰۲)، سبحانی و همکاران (۱۴۰۱)، سلیمی و همکاران (۱۴۰۱)، عباسی و همکاران (۱۴۰۰)، روحانی و حسینی فتح آبادی (۱۴۰۰)، عاقبتی و همکاران (۱۳۹۹)، علی حسینی و محمودزاده (۱۳۹۸)، محمدیان و مدنی (۱۳۹۷) و نیز پژوهش های خارجی ژیا هوپی و همکاران (۲۰۲۳)، فنگ و همکاران (۲۰۲۲)، چاندو و همکاران (۲۰۲۱) همسو است.

سبک مقتدرانه با ترکیب محبت و قاطعیت، به نوجوان کمک می کند هیجانات خود را به شیوه ای سالم تنظیم و مدیریت کند؛ به همین دلیل با کاهش رفتارهای خودآسیب رسان همراه است. در مقابل، سبک مستبدانه با کنترل بیش از حد و بی توجهی به احساسات فرزند، خشم، اضطراب و احساس ناامنی را افزایش می دهد و زمینه ساز رفتارهای پرخطر می شود. سبک سهل گیرانه نیز به دلیل فقدان ساختار، قوانین روشن و نظارت کافی، توانایی خودتنظیمی نوجوان را تضعیف کرده و می تواند به رفتارهای خودآسیب رسان به عنوان روشی برای جلب توجه یا کسب احساس کنترل دامن بزند.

این الگو در هر سه بُعد رفتارهای خودآسیب رسان (رفتاری، انگیزه های درون فردی و انگیزه های برون فردی) تکرار شد و نشان داد تأثیر سبک فرزندپروری صرفاً به بروز رفتاری محدود نمی شود، بلکه انگیزه های زمینه ای این رفتارها (چه ناشی از دشواری تنظیم هیجان درونی و چه ناشی از نیاز به ارتباط و جلب توجه بیرونی) را نیز تحت تأثیر قرار می دهد.

۱۰- محدودیت‌های پژوهش

- عدم همکاری برخی دانش‌آموزان و تکمیل ناقص برخی پرسش‌نامه‌ها که از تحلیل حذف و با پرسش‌نامه‌های دیگر جایگزین شدند.
 - محدود بودن جامعه آماری به شهرستان مهریز و لزوم احتیاط در تعمیم نتایج به سایر مناطق به دلیل تفاوت‌های فرهنگی-اجتماعی.
 - فقدان پرسش‌نامه‌های بومی ایرانی برای سنجش متغیرها و استفاده از ابزارهای غیرایرانی بامریند و کلونسکی-گلن.
- حساس و خصوصی بودن موضوع برای نوجوانان که ممکن است بر صداقت برخی پاسخ‌ها اثر گذاشته باشد؛ برای کاهش این اثر، محرمانه بودن اطلاعات به پاسخ‌گویان اطمینان داده شد

۱۱- پیشنهادات

پیشنهادهای پژوهشی

- ◀ تکرار این مطالعه در دوره دوم متوسطه، دانشجویان و سایر شهرستان‌ها و استان‌ها.
- ◀ بررسی سایر متغیرهای خانوادگی مؤثر بر رفتارهای خودآسیب‌رسان مانند طلاق والدین، جو عاطفی-روانی خانواده، حمایت خانواده و سبک زندگی سلامت‌محور.
- ◀ بررسی تأثیر متغیرهای فردی و شخصیتی مانند تاب‌آوری، خودتنظیمی و سلامت روان بر این رفتارها.
- ◀ انجام پژوهش‌های کیفی برای طراحی راهکارهای مداخله مبتنی بر سبک فرزندپروری.

پیشنهادهای کاربردی

- ◀ برگزاری دوره‌های آموزش سبک‌های فرزندپروری برای والدین در مدارس.
 - ◀ برگزاری جلسات آموزشی با حضور کارشناس برای شرح مشکلات دوره نوجوانی از جمله رفتارهای خودآسیب‌رسان و نقش سبک فرزندپروری.
 - ◀ توجه بیشتر مراکز مشاوره خانواده به آموزش سبک‌های فرزندپروری، به‌ویژه برای زوج‌های جوان.
 - ◀ آموزش سبک‌های فرزندپروری در مراکز مشاوره ازدواج و کلاس‌های ویژه مادران باردار.
 - ◀ گنجاندن آموزش سبک‌های فرزندپروری در درس جمعیت و خانواده در دانشگاه‌ها.
 - ◀ ایفای نقش فعال‌تر رسانه‌ها در آموزش سبک‌های فرزندپروری به خانواده‌ها.
- در مجموع، نتایج این پژوهش بر نقش محوری خانواده و به‌طور خاص سبک فرزندپروری در پیشگیری از رفتارهای خودآسیب‌رسان نوجوانان تأکید می‌کند و لزوم توجه سیاست‌گذاران آموزشی و درمانی به آموزش والدین را نشان می‌دهد.

منابع

۱. احمدی مروی‌لی، ناهید؛ میرزاحسینی، حسن؛ و منیرپور، نادر (۱۳۹۸). نقش سازمان شخصیت و سبک‌های دلبستگی در گرایش نوجوانان به رفتارهای خودآسیب‌رسان و خودکشی. پژوهش توان‌بخشی در پرستاری، ۵(۳)، ۱۴-۲۲.
۲. ایزکیان، ساره؛ میرزائیان، بهرام؛ و حسینی، سیدحمزه (۱۳۹۷). بررسی شیوع خودجرحی بدون خودکشی در نوجوانان و جوانان ایرانی. تعالی بالینی، ۸(۲)، ۱۴-۲۵.
۳. دودانگی، نسرين (۱۳۹۸). مشخصات رفتارهای خودآسیب‌رسان در نوجوانان. نهمین همایش سراسری روان پزشکی کودک و نوجوان، تهران.
۴. دکایی‌فر، آرزو؛ و موسی‌زاده، توکل (۱۳۹۹). نقش سبک‌های فرزندپروری والدین در پیش‌بینی رشد اجتماعی کودکان پیش‌دبستانی ۵ و ۶ ساله. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۰(۳۷)، ۸۷-۱۰۰.

۵. رفاهی، ژاله؛ و طاهری، محمد. (۱۳۹۸). پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری مادران بر اساس طرحواره‌های اولیه و سبک‌های دلبستگی آنان. زن و جامعه، ۱۰(۱)، ۱۶۷-۱۹۵.
 ۶. روحانی، علی؛ و حسینی فتح‌آبادی، هانیه‌سادات. (۱۴۰۰). واکاوی بسترهای خانوادگی منتهی به خودزنی در بین دانش‌آموزان دختر در شهر یزد. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۰(۱)، ۵-۱۸.
 ۷. سبجانی، سیده‌گیتی؛ فلاح‌زاده، هاجر؛ و پورشهریار، حسین. (۱۴۰۱). پیش‌بینی گرایش به رفتارهای خودآسیب رسان در نوجوانان دختر ۱۳ تا ۱۵ سال بر اساس سرمایه روان‌شناختی و عملکرد خانواده. خانواده‌پژوهی، ۱۸(۴)، ۷۵۵-۷۷۵.
 ۸. سلیمی، آرش؛ هاشمی نصرت‌آباد، تورج؛ و خانجانی، زینب. (۱۴۰۱). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده، ارتباط با همسالان و پیوند با مدرسه با رفتارهای خودآسیب‌رسان نوجوانان. دومین کنفرانس علوم اجتماعی، روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی.
 ۹. سلیمی، آرش؛ هاشمی نصرت‌آباد، تورج؛ و خانجانی، زینب. (۱۴۰۲). روابط علی ساختاری استحکام من و روابط بافتی (جو عاطفی خانواده، ارتباط با همسالان و پیوند با مدرسه) با رفتار خودآسیب‌رسانی در نوجوانان با میانجی‌گری تنظیم هیجان. مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۱۴(۵۲)، ۱۴۸-۱۷۷.
 ۱۰. عاقبتی، اسماء؛ کریمی، سیروان؛ و عاشوری، احمد. (۱۳۹۹). ارتباط میان صفات سرشت و منش، مؤلفه‌های تنظیم هیجان و فرزندپروری ادراک‌شده با رفتار خودآسیبی در نوجوانان: رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری. روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۲۶، ۴۵۳-۴۶۳.
 ۱۱. عباسی، عبادالله؛ رجایی، علیرضا؛ بیاضی، محمدحسین؛ و جعفریان یسار، حمید. (۱۴۰۰). پیش‌بینی گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک زندگی سلامت. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۴(۲)، ۳۰۳۴-۳۰۴۶.
 ۱۲. علی‌حسینی، زهرا؛ و محمودزاده، فاطمه. (۱۳۹۸). رابطه تعارض والدین با یکدیگر و سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده با پرخاشگری و رفتارهای خودآسیب‌رسان در نوجوانان. سومین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در اخلاق و تربیت، تهران.
 ۱۳. قناعت باجگیرانی، سونه؛ برجعلی، احمد؛ اسکندری، حسین؛ فرخی، نورعلی؛ و خانجانی، مهدی. (۱۴۰۱). نقش میانجی آسیب‌های دوران کودکی در ارتباط سرشت عاطفی-هیجانی با رفتارهای خودآسیب‌رسان. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶(۴)، ۵۴۰-۵۵۲.
 ۱۴. محمدیان، آرزو؛ و مدنی، مهری. (۱۳۹۷). پیش‌بینی رفتارهای پرخطر بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های مقابله‌ای در دانش‌آموزان. پنجمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، قزوین.
 ۱۵. مظفری، نظیر؛ باقریان، فاطمه؛ زاده‌محمدی، علی؛ و حیدری، محمود. (۱۴۰۰). شیوع‌شناسی و کارکردهای رفتارهای خودآسیب‌رسان در نوجوانان شهر سنندج. روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت، ۸(۴)، ۱۱۰-۱۲۳.
16. Baumrind, D. (1991). Parenting styles and adolescent development. In J. Brooks-Gunn, R. Lerner, & A. Petersen (Eds.), *The encyclopedia of adolescence* (pp. 746-758). New York, NY: Garland.
 17. Brown R C, Witt A. (2019). Social factors associated with non-suicidal self-injury (NSSI). *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 13(1), 23.
 18. Buckmaster R., McNulty M., Guerin S. (2019). Family factors associated with self-harm in adults: A systematic review. *Journal of Family Therapy*, 41(4), 537-558.
 19. Chundu, M., Davids, E.L., de Vries, P.J. (2021). Perceived parenting style and suicidal/non-suicidal self-injury in university students: A cross-sectional South African study.

20. Fong, Z.H., Loh, W.N.C., Fong, Y.J., Neo, H.L.M., Chee, T.T. (2022). Parenting behaviors, parenting styles, and non-suicidal self-injury in young people: A systematic review. *Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 27(1), 61-81.
21. Fortune S., Cottrell D., Fife S. (2016). Family factors associated with adolescent self-harm: A narrative review. *Journal of Family Therapy*, 38(2), 226-256.
22. International Society for the Study of Self-Injury. (2018). What is self-injury? Retrieved from <https://itriples.org/about-self-injury/what-is-self-injury>
23. Klonsky ED, Glenn CR, Styer DM, Olin TM, Washburn JJ. (2015). The functions of nonsuicidal self-injury: converging evidence for a two-factor structure. *Child and Adolescent Psychiatry and Mental Health*, 9(1), 1-9.
24. Majid M, Tadros M, Tadros G, Singh S, Broome MR, Upthegrove R. (2016). Young people who self-harm: a prospective 1-year follow-up study. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 51(2), 171-181.
25. Muehlenkamp J, Xhunga N, Brausch A. (2019). Self-injury age of onset: A risk factor for NSSI severity and suicidal behavior. *Archives of Suicide Research*, 23(4), 551-563.
26. Pinquart, M., & Gerke, D.-C. (2019). Associations of parenting styles with self-esteem in children and adolescents: A meta-analysis. *Journal of Child and Family Studies*, 28, 2017-2035.
27. Willoughby T., Heffer T., Hamza C.A. (2015). The link between nonsuicidal self-injury and acquired capability for suicide: A longitudinal study. *Journal of Abnormal Psychology*, 124(4), 1110-1115.
28. Xiaohui, D., Guoli, Y., Minghui, L., Tengfen, Y., Qiuping, Y., et al. (2023). Associations between parenting styles and non-suicidal self-injury in children aged 10-12. Research Square, preprint.

Investigating the Predictive Relationship Between Parenting Styles and Self-Harm Behaviors in Junior High School Students

Zeinab Azarmidokht

Director of Imam Reza Counseling Center, Mehriz County

Abstract

The family, and particularly parents' parenting style, serves as one of the primary and most crucial foundations in shaping self-harm behaviors during adolescence. The present study aimed to predict self-harm behaviors based on parenting styles (authoritative, authoritarian, and permissive) among junior high school students in Mehriz County. This research employed a correlational-regression design. The statistical population comprised 2,439 junior high school students in Mehriz County, from which a sample of 331 participants was selected using multi-stage cluster sampling based on the Krejcie and Morgan table. Data were collected using Baumrind's Parenting Styles Questionnaire (Baumrind, 1973) and the Inventory of Statements About Self-Injury by Klonsky and Glenn (Klonsky & Glenn, 2015). The gathered data were analyzed at both descriptive and inferential levels using SPSS software (Version 24). The results of simultaneous regression analysis revealed that parenting styles collectively explained 54.9% of the variance in self-harm behaviors; the authoritative style was a negative predictor, whereas permissive and authoritarian styles were positive predictors of these behaviors. Supplementary findings also confirmed significant relationships between parenting styles and the behavioral dimensions, intrapersonal functions, and interpersonal functions of self-harm behaviors. Based on these findings, family-centered education aimed at modifying parenting styles and enhancing parent-adolescent communication is recommended as an effective strategy for preventing such behaviors.

Keywords: Self-Harm Behaviors, Parenting Styles, Adolescent, Students, Junior High School.
